



کار ویژه نواندیش دینی اصیل برقراری تعادل میان اصالت و معاصرت است

کار ویژه نواندیش دینی اصیل و اجتهادی برقراری همین تعادل و توازن و جمع میان اصالت و معاصرت است. از یک سو به اصالت توجه دارد و از سوی دیگر معاصرت را کنار نمی‌گذارد و به زمان توجه دارد.

کار ویژه نواندیش دینی اصیل و اجتهادی برقراری همین تعادل و توازن و جمع میان اصالت و معاصرت است. از یک سو به اصالت توجه دارد و از سوی دیگر معاصرت را کنار نمی‌گذارد و به زمان توجه دارد.

به گزارش خبرنگار مهر، سومین نشست هم اندیشی «روشنفکر مطهر؛ سه روز با روشنفکری انقلاب اسلامی» در دانشکده الهیات دانشگاه تهران برگزار شد.

حجت الاسلام محمدحسین ملک زاده در این نشست با اشاره به مفهوم نواندیشی دینی گفت: از نو اندیشی دینی دو تعریف ذکر شده است؛ یک تعریف این است که دین خودش موضوع اندیشه باشد و سایر مکاتب و علوم روش باشند. رنسانس که در غرب به وقوع پیوست می تواند مثالی برای این موضوع باشد که دین هم شبیه سایر موضوعات در علوم مختلف مورد بررسی قرار گرفت مثل جامعه شناسی دین، روانشناسی دین و ... در تعریف دیگر مسائل و موضوعات جدید با متودها و مفروضات دینی بررسی شوند. مثال این تعریف، انقلاب اسلامی و تأسیس نظام جمهوری اسلامی در ایران است. در حقیقت امام خمینی با متود و مفروضات دینی مسائل جامعه امروز را مورد بازنگری قرار داد. آنچه ما از آن یاد می کنیم به عنوان دین اجتهادی، همین تعبیر دوم از دین است. نواندیش دینی اصیل حوزوی، اسلام شناس توانمند، زمان شناس و نوپردازی است که میان اصل و عصر جمع می کند آن هم جمعی از نوع سالم و نه مکسر. یعنی در عین حال که عصر و زمانه را در نظر می گیرد، اصول گرا هم هست، یعنی از اصول اساسی تخطی نمی کند و سعی می کند بر اساس آن اصول، منطقی و ضابطه مند و روش مند پاسخی متناسب با زمان و مکان حاضر برای مسائل و چالش های جدید و حوادث واقعه بیابد که این به معنای برقرار کردن توازن و تعادل بین اصالت و معاصرت و به معنای رعایت توازن و تعادل در ساحت نظریه پردازی و در حوزه اجتهاد است.

این استاد حوزه و دانشگاه تصریح کرد: در حقیقت کار ویژه نواندیش دینی اصیل و اجتهادی برقراری همین تعادل و توازن و جمع میان اصالت و معاصرت است. از یک سو به اصالت توجه دارد و ریشه در اصل دارد و از سوی دیگر معاصرت را کنار نمی گذارد و به زمانه خود توجه دارد، فرزند زمانه خود بودن یک فخر حقیقتاً جدی است که هر کسی بتواند فرزند زمانه خود باشد که به معنای مقهور بودن از زمانه خود نیست بلکه به معنای این است که از زمانه خود و پرسش ها و چالش های سر دربیاید. اگر در زمانه او اندیشه های گوناگونی حضور دارند از جمله غرب نمی تواند نسبت به غرب بی تفاوت باشد و غرب را نشناسد و می خواهد به سوالاتی که غرب برای او بوجود آورده پاسخ دهد. شهید صدر این گونه است که متأسفانه در جامعه ما خیلی شناخته شده نیست، در جهان اهل سنت بهتر از ما شهید صدر را می شناسند. شهید صدر فرزند زمانه خود است و در عین حال یک غرب شناس دقیق است و هیچ آفتی برای او نیست. لذا اینکه انسان فرزند زمانه خود باشد بزرگترین اتفاقی است که در جهان یک متفکر می تواند رخ دهد. از قضا متفکر باید فرزند زمانه خود باشد اما مقهور نباشد و منفعل نشود بلکه سوالات را بداند و این نکته مهمی است که باید نواندیش دینی داشته باشد.

وی با بیان اینکه جریان نواندیشی اصیل و اجتهادی کم و بیش در جریان دینی ما وجود داشته است، تصریح کرد: سید جمال الدین اسدآبادی در این جریان جایگاه بسیار بالایی دارد که نمی توان از آن عبور کرد. در دهه های سال اخیر می توان یکسری ویژگی های اساسی را در جریان سردمداران جریان نو اندیش اصیل و اجتهادی بیابیم و اولین نکته این است که آنها اهل اجتهاد و وقاحت هستند، یعنی اهل اسلام شناسی تخصصی عالمانه و اجتهاد. ویژگی دوم این است که مسلط بر علوم عقلی هستند و لزوماً به این معنا نیست که پیرو فلسفه صدرایی باشند اما با علوم عقلی آشنا هستند. علامه محمد تقی جعفری شاید در چارچوب حکمت متعالیه نگنجد و نمی شود او را فیلسوف صدرایی به شمار آورد اما آیا کسی هست که بتواند علامه جعفری را فیلسوف به شمار نیارد. اگر کسی علامه جعفری را فیلسوف نداند فکر نمی کنم فیلسوفی باقی بماند. یا شخصیت های دیگری به همین ترتیب که فیلسوف هستند اما لزوماً صدرایی نیستند. لذا منظور از علوم عقلی به طور کلی و به ویژه الهیات است.

حجت الاسلام محمد حسین ملک زاده ادامه داد: نکته سوم برای نواندیش دینی، بهره مندی از آزاداندیشی، انعطاف فکری و تفکر انتقادی است. اگر شخص تفکر انتقادی نداشته باشد نمی تواند حد نصاب لازم برای یک نواندیش دینی را بدست بیاورد. نکته بعدی دارای نواندیشی مبتنی بر زمان آگاهی، زبان شناسی و توجه به نیازها و مقتضیات زمان و

مکان است. همچنین برخوردار از جرأت و جسارت لازم برای ورود به عرصه های جدید و طرح ایده های تازه و حتی شکستن ساختارهای ناصواب و عبور از چهارچوب های موجود و نترسیدن از ضیافت های علمی و غیر علمی است. مجموعه جریان های شناخته شده و مهم فکری و فرهنگی ایران در بازه زمانی پس از پیروزی انقلاب اسلامی تاکنون را می توان در ۳ بازه زمانی تقسیم نمود. الف: حجر، ب: تجدد، ج: نو اندیشی منتقد تجدد ملاک این دسته بندی موضع نظری و عملی گروه ها و جریان های مختلف فکری و فرهنگی در قبال این ۳ مقوله است: یک: سنت اسلامی و میراث فکری و آئینی مسلمانان به ویژه شیعیان، دو: جامعه و مردم ایران و سه: امور نوپدید از جمله تمدن جدید غربی پس از رنسانس تا کنون در دو بعد سخت افزاری و نرم افزاری.

وی در بخش دیگری از سخنان خود انواع جریان های نواندیشی دینی در حوزه پسا انقلاب از جمله جریان نواندیش فقهی و اجتهادی اشاره کرد و توضیحاتی در این خصوص ارائه داد.